

مردم‌نگاری زیورآلات یک‌صد سال اخیر شوشتر با رویکرد چندفرهنگی

منصور کلاه‌کج*

معصومه صدیر**

زهرا راستی***

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۶

چکیده

زیورآلات مجموعه‌ای عظیمی از اشیاء فرهنگی هستند که کاربرد تزئینی، تجملی و بعضاً کارکرد بلاگردان دارند. فارغ از وجه مادی و سرمایه‌ای، برخی از انواع آن‌ها کارکردی روزمره و آیینی داشته و بازنمای هویت فرهنگی، اندیشه‌ها و باورهای جوامع بوده و مهارت و ادراک زیباشناسانه زیورسازان هر دوره را نشان می‌دهند. در این میان شهر شوشتر که روزگاری مرکز استان خوزستان بوده است، یکی از مراکز ساخت زیورآلات بوده که با توجه به تنوع فرهنگی مردم این منطقه، رویکرد چندفرهنگی در زیورآلات آنان دیده می‌شود. بر این اساس مسئله پژوهش حاضر، چگونگی شکل‌گیری رویکرد چندفرهنگی در صنایع‌دستی این شهر و چستی زیورآلات ساخته‌شده در این بستر است. شناخت تزئینات و معناهای مشترک فرهنگی جامعه ایرانی نهفته در زیورآلات به‌ویژه آثار منطقه خوزستان و شهر شوشتر و اطراف آن در محدوده یک‌صد سال گذشته هدف این پژوهش است. رویکرد این پژوهش کیفی، مردم‌نگارانه است که در آن به‌طور عمده با بهره‌گرفتن از منابع میدانی و سپس کتابخانه‌ای و شیوه تحلیل نشانه‌شناسانه به بررسی موضوع پرداخته شده است. منابع میدانی پژوهش حاضر، افراد آگاه به موضوع و هم‌چنین مردم محلی و مجموعه‌داران شخصی بوده‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش، بافت چندفرهنگی شوشتر و وجود تقاضاهای مختلف، سبب شده تا زیورسازان این شهر اقلام مختلف تزئینی، ملزومات زندگی و نیز اشیاء دوگانه تزئینی و بلاگردان یا دفع شر را بر اساس سلیقه‌های مختلف ساکنانی که جمعیت بیش‌تری در این شهر دارند، به تولید برسانند. وجود تزئین یا نقش‌اندازی بر اشیاء و ارزش‌آفرینی اشیائی نه‌چندان پراهمیت (به‌زعم افکار امروزی) چون سنگ‌پا و قطعه فلز پایین و بالای بادبز، نشان از تداوم سنت تزئین‌گرایی در هنر ایرانی است که در بطن شهری با ویژگی هم‌گرایی فرهنگی، همواره برای آن تقاضا وجود داشته است.

مناظر
بهره‌های
ایران

دوفصلنامه علمی هنرهای صنعتی ایران

سال هفتم، شماره ۱، پیاپی ۱۲

بهار و تابستان ۱۴۰۳

۵

کلیدواژه‌ها:

زیورآلات، شوشتر، مردم‌نگاری، چندفرهنگی، خوزستان.

* دانشیار، گروه گرافیک، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) / mansor.kolahkaj@gmail.com

** کارشناسی ارشد، گروه پژوهش هنر، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران / sodeirmasoumeh@gmail.com

*** کارشناسی ارشد، گروه پژوهش هنر، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران / zahra.rasti1985@gmail.com

۱. مقدمه

زیورآلات ضمن کارکرد تزئینی آن‌ها، نوعی رسانه هستند که برخی مفاهیم از جمله مفاهیم آیینی و باورها از طریق آن‌ها قابل انتقال است. این مفاهیم که با نمادها و نشانه‌ها منتقل میشوند، از طریق معنای مشترکی صورت می‌گیرند. با نگاهی به موضوع پیوستگی هنر و زندگی در طول حیات انسان و تزئینی بودن هنر مردم ایران زمین، جواهرات به‌عنوان لوازم جانبی و کاربردی با پرداخت هنری، برای نمایش ثروت و مرتبه اجتماعی نیز کاربرد داشته‌اند. از سوی دیگر، شرایط اجتماعی و فرهنگی و نیز اقلیم، در ساخت زیورآلات نقش موثری داشته‌اند که در نوع ساخت و نیز نقوش و عناصر نمادین آثار، بروز یافته‌است. هدف این پژوهش شناخت عناصر نمادین و معنایی زیورآلات شهر شوشتر با ترکیب چندفرهنگی به‌منظور تکمیل شکاف دانشی اطلاعات زیورآلات و عناصر نمادین ایرانی است. بر همین اساس در این پژوهش با رویکردی مردم‌نگارانه به زیورآلات تولیدی شوشتر با توجه به سلیقه و ذائقه فرهنگ‌های موجود در این شهر در محدوده یک‌صد سال اخیر پرداخته شده و به سوالاتی چون چگونگی شکل‌گیری رویکرد چندفرهنگی در صنایع دستی این شهر و پیوستگی زیورآلات ساخته‌شده در این بستر پاسخ داده می‌شود.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از دسته پژوهش‌های کیفی و مردم‌نگارانه است. از ویژگی‌های پژوهش‌های مردم‌نگارانه، توصیف و تحلیل عمیق فرهنگ در معنای وسیع است (قاسمی و اخگری، ۱۴۰۰: ۶۳۲). نوع مردم‌نگاری پژوهش حاضر، تفسیری و مشارکت‌گراست که در خلال آن با شنیدن گفتگوها، طبق الگوی مردم‌نگاری ارتباطات، مطالب به‌صورت میدانی با برداشت از شواهد بصری و مصاحبه (جدول ۱) و نیز از منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده‌اند. هم‌چنین برای توضیح و تبیین مبانی نظری از منابع هوش مصنوعی مطابق آخرین نسخه در روش APA بهره گرفته شد و ارجاع درون‌متنی و برون‌متنی آن هم بر همان اساس بوده‌است. در خلال گفتگوها مشخص شد که عوامل مختلفی چون شرایط محیطی، بافت چندفرهنگی و باورهای مردمی که در جغرافیای مورد مطالعه، تجربه‌زیسته داشته‌اند، در شکل‌گیری انواع زیورهای ساخته‌شده در شوشتر موثر بوده‌است. به همین دلیل بر پایه نظریه چندفرهنگی، نتایج این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با اتکاء به شواهد بصری با خوانش نشانه‌شناسانه زیورآلات در بافت فرهنگ‌های مورد مطالعه ارائه شده‌اند. انتخاب نمونه آثار به‌صورت هدفمند بوده و تعداد آن‌ها ۵۵ عدد است.

جدول ۱: مشخصات مصاحبه‌شوندگان

کد	نام خانوادگی و نام و سن	سابقه کار	میزان تحصیلات	محل و تاریخ مصاحبه	محور گفتگو	
۰۱	راد نژادفتحی	۴۰	۱۵	دیپلم	کاروانسرای افضل، گفت‌وگوهای متعدد طی ماه‌های آبان و آذر ۱۴۰۱	انواع نقره‌جات قدیمی و سنگ‌ها
۰۲	محمود حسین‌زاده	۵۰	۲۵	دیپلم	اهواز، گالری طلافروشی محمود ۱۵ آبان ۱۴۰۱	انواع زیورآلات قدیمی ساخت شوشتر
۰۳	عباس زرگرباشی	۶۵	۴۰	دیپلم	پاساژ ونوس، طلاسازای حاج عباس ۱۸ آبان ۱۴۰۱	انواع گوشواره‌های قدیمی شوشتر
۰۴	محمد برگریزان	۴۸	۲۰	لیسانس	طلافروشی برگریزان ۱۰ آذر ۱۴۰۱	تاریخ و قدمت زیورآلات
۰۵	محمد زرگرباشی	۷۵	۵۰	دیپلم	پاساژ کوثر، مغازه نقره‌فروشی ۱۰ آذر ۱۴۰۱	انواع گردنبندهای قدیمی و تزئینات پوشاک

۳. پیشینه پژوهش

عبدالناصر گیو قصاب (۱۳۹۲) در مقاله «زیورآلات؛ زیبایی و تمدن ایرانند» اشاره می‌کند که کاربرد و مصرف زیورآلات با رشد اجتماعی و فرهنگی ارتباط دارد و می‌تواند برحسب شرایط جامعه شامل سه رویکرد زیباشناختی، آیینی، و اقتصادی باشد. حسین میرجعفری و سیدمسعود

سیدبنکدار (۱۳۸۷) در مقاله «زرگری و جواهرسازی در عصر صفوی» به چگونگی جواهرسازی و زرگری در این دوره خاص از تاریخ ایران پرداخته‌اند و به نقش زرگری در سیاست و تمدن این دوره اشاره کرده‌اند. سهیل احمدی و استانی، جبرئیل نوکنده و مصطفی ده پهلوان (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی زیورآلات دوره ساسانی شمال ایران، حاصل کاوش‌های علمی باستان‌شناسی» اظهار داشته‌اند که برخی از گورها دارای زیورآلات بی‌ارزش هستند و برخی دیگر زیورآلات باارزش‌تری را دارا هستند. این مسئله بیانگر تضاد طبقاتی بارز بین مردمان این منطقه در دوره ساسانی است. سیدیه یاقوتی و ابوالقاسم دادور (۱۳۹۹) در مقاله «مطالعه تطبیقی سیر تحول و تطور زیورآلات ایران در دوره هخامنشی و اشکانی» بیان نموده‌اند اشیای گران‌بهای مکشوفه به‌ویژه آرایه‌ها و زیورآلات برجای مانده از این دو دوره، نقش مهمی در بازنمایی تأثیر اساطیر و باورهای ایرانیان در ادوار مختلف بر یکدیگر و سایر ملل داشته‌است. آرزو آزاد و ابوتراب احمدپناه (۱۴۰۱) در مقاله «بررسی نقوش زیورآلات زنان ترکمن (در ارتباط با آیین ازدواج)» ضمن بیان مختصر تاریخچه و باورهای عامه مردم ترکمن، به معنا و مفهوم نقوش این زیورآلات می‌پردازند و به زیورآلاتی که موجب تمایز زنان مجرد از زنان متأهل و نوجوانان می‌شوند نیز اشاره کرده‌اند. مبینا زواری و امیرحسین چیت‌سازیان (۱۳۹۹) در مقاله «مطالعه تطبیقی نمادگرایی در زیورآلات اقوام ترکمن و بلوچ در ایران» پژوهش خود را بر این فرض استوار ساخته‌اند که باورها و اعتقادات اقوام ترکمن و بلوچ همواره در ساخت زینت‌آلات آن‌ها دخیل بوده‌است. در این پژوهش زیورآلات اقوام مختلف ایران به‌صورت تطبیقی بررسی شده‌اند. اکرم مریدی شوشتری (۱۳۹۲) در کتاب شوشتر یعنی خوبتر، به چند نمونه از زیورآلات این شهر اشاره کرده‌است. هم‌چنین لازم به ذکر است که در خصوص زیورآلات به‌ویژه میناکاری صابئین مندائی ساکن خورستان که دارای اعتبار ویژه‌ای است، مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده که از آن جمله تحقیق مریم میثاقی و فرناز مرادمند (۱۳۸۱)، فریبا باقری (۱۳۸۵)، مهران هوشیار و سارا زاهدی‌فر (۱۳۸۶) را می‌توان نام برد که به‌طور عمده بر تکنیک ساخت مینای صابئین متمرکز بوده‌اند و عناصر نمادین آن‌ها چون نخل، کاروان شتر، قایق و دریا را توصیف و تحلیل کرده‌اند. با توجه به این که تاکنون پژوهشی صرفاً با عنوان زیورآلات شوشتر صورت نگرفته، نگارندگان پژوهش حاضر، یافته‌های خود را بر اساس جست‌وجو و پرسش‌های میدانی و بازدید از مجموعه‌های شخصی با رویکرد مردم‌نگارانه در بافتی چندفرهنگی به رشته تحریر درآورده‌اند.

۴. مبانی نظری

مباحث چندفرهنگی تاکنون تحت عنوان‌های مختلفی مطرح شده‌اند که یکی از آن‌ها نظریه چندفرهنگی و عدالت است که پیشگامان آن «کانتین دیک»^۱ و «جان تیلور»^۲ بوده‌اند. هم‌چنین «تویاس تیبو»^۳ در نظریات خود در زمینه چندفرهنگی به بررسی روابط بین فرهنگی و نحوه مدیریت تنوع فرهنگی پرداخته است. «کلود لوی-استروس»^۴ نیز نظریه تبادل فرهنگی را مطرح کرده‌است. ادوارد سعید به تأثیر تعامل فرهنگ غرب و شرق، «آنتونی گیدنز»^۵ به جهانی‌سازی و «امانوئل والراستین»^۶ در نظریه سیستم جهانی، به تحلیل چگونگی تعاملات جهانی و فرهنگی جوامع مختلف پرداخته‌اند. چندفرهنگی به معنای هم‌زیستی گروه‌های فرهنگی مختلف در یک جامعه است. این هم‌زیستی می‌تواند شامل قومیت‌ها، زبان‌ها، دین‌ها و فرهنگ‌های مختلف باشد. چندفرهنگی نه تنها به پذیرش و احترام به تنوع فرهنگی اشاره دارد، بلکه بر ترویج و تقویت تبادل فرهنگی نیز تأکید دارد.

هدف نظریه چندفرهنگی، ترویج احترام و فهم متقابل میان فرهنگ‌ها و گروه‌های مختلف و جهت‌گیری اصلی آن، تأکید بر تنوع فرهنگی جوامع مختلف است. واضعان این نظریه بر این باورند که فرهنگ‌های مختلف نه تنها باید در کنار هم زندگی کنند، بلکه می‌توانند به همدیگر کمک کرده و از یکدیگر یاد بگیرند. یکی از الگوهای مشهور در نظریه چندفرهنگی، مدل «ادغام فرهنگی»^۷ است که توسط «آناستازیا وارث»^۸ ارائه شده و بر این نکته تأکید دارد که فرهنگ‌های مختلف می‌توانند به‌طور هم‌زمان در یک جامعه وجود داشته باشند و از طریق تبادل فرهنگی، می‌توان به غنی‌تر شدن فرهنگ‌ها کمک کرد (Open AI, 2023). مدل ادغام فرهنگی، به فرایند تعامل و تبادل فرهنگی میان گروه‌های مختلف اجتماعی یا قومی اشاره دارد که در نتیجه آن، عناصر فرهنگی مختلف به یکدیگر نزدیک شده و در نهایت به شکل‌گیری فرهنگی جدید منجر می‌شود. این نظریه بر این اصل استوار است که گروه‌های مختلف می‌توانند از یکدیگر یاد بگیرند و با تعامل سازنده با یکدیگر غنی‌تر شوند. یکی از مفاهیم کلیدی در این نظریه، «هم‌گرایی فرهنگی» است که نشان‌دهنده تمایل فرهنگ‌ها به ادغام و ایجاد نقاط مشترک است. به گفته فاضلی، ادغام زمانی اتفاق می‌افتد که در کل جامعه روابط زنده و سالم دائمی بین فرهنگ مسلط و خرده‌فرهنگ‌ها با یکدیگر وجود داشته باشد (فاضلی، ۱۳۹۱: ۱۲).

۵. مردم‌شناسی زیورسازان شوشتری

شوشتر از شمال به منطقه بختیاری نشین و از جنوب به بخش عرب‌نشین می‌رسد. با توجه به این که شوشتر مرز بین اقوام بختیاری و عرب خوزستان است، در زیورآلات این خطه شاهد طرح‌ها و نقش‌های رنگارنگ و متنوعی هستیم. تنوع مردم ساکن در این منطقه منجر به خلق آثار و اقلامی متنوع در جواهرات، پوشش لباس و تغذیه مردمان این شهر شده است. چندفرهنگی در این شهر هم‌چنین موجب شده بعضی از اشیاء با یک جنس به نام‌های مختلفی شناخته شوند. این تنوع فرهنگی در به‌کارگیری سنگ‌های رنگارنگ و طرح‌های منقش در طلا نیز نمود پیدا کرده و سنگ‌هایی چون یاقوت، فیروزه، مرجان، صدف، مروارید و مهره‌های گبری از جنس شیشه که توسط استادکاران شوشتر ساخته می‌شوند، در تزئینات پوشاک و زیورآلات استفاده شوند.

استفاده از بعضی از این سنگ‌ها نیز ریشه در سنت‌ها و اعتقادات دارند مثلاً سنگ آبی دست‌ساز به نام دوچشم (به زبان محلی دوتیه) و یا صدف (خوت خوتیک) برای محافظت کودک از چشم‌نظر استفاده می‌شده است. هم‌چنین از سنگ فیروزه برای افزودن رزق و روزی، از عقیق برای افزایش ثواب نماز، از یاقوت برای تقویت قلب، از سنگ حدید برای محافظت و از پولاد برای مقابله با ترس استفاده می‌کردند. از دیگر زیورآلات مرتبط با اعتقادات افراد، می‌توان به ساخت قاب قرآن و ادعیه، ساخت طلسم و مهره‌هایی که به عقیده آن‌ها دارای خیر و برکت بوده‌اند، اشاره کرد.

شغل زرگری در شوشتر به جهت تخصصی بودن آن نسبت به مشاغل دیگر، موروثی بوده تا آن‌جا که اکثر خانواده‌های زرگر با هم فامیل بوده و با یکدیگر وصلت می‌کردند. این‌گونه صنعت طلا از پدر به پسر و نسل به نسل منتقل می‌گردیده و معمولاً خانواده‌های آن‌ها را با پسوند و پیشوند زرگر خطاب می‌کردند. امیر زرگر، وکیل زرگر، معتمد زرگر، موید زرگر، امین زرگر، زرگریان، زرگرباشی، زرگر شوشتری از خانواده‌های به‌نام زرگر و نقره‌کار شوشتر بوده‌اند. زرگرها معمولاً به صورت خانوادگی کار می‌کردند و تقریباً در همه محله‌های شهر ساکن بودند. صنف زرگر شوشتر به‌مانند اصناف دیگر این شهر، مسجدی به نام «مسجد زرگرها» در «محله دُلْدُل» دارد که نشان از توسعه پایدار در شوشتر قدیم دارد. در زمان قدیم، بازار زرگرها به دو راسته ختم می‌شد، یکی از این راسته‌ها از «مسجد حسین» تا «محله عبدالله‌بانو» و مخصوص «محله کهواز» بود و دیگری از پشت «مسجد رسول» تا محله دُلْدُل در «منطقه موگهی» واقع شده بود که هنوز مسجد زرگرها در آن محیط پابرجاست. البته در روزگار نه‌چندان دور تعدادی از مندائیان (صابئین) هم در شوشتر ساکن بودند که در صنعت طلا اشتغال داشتند. به دلیل شرایط حاکم بر شوشتر در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی، تعداد این اقلیت رو به کاهش نهاد و غالباً به اهواز مهاجرت کردند که مرکز خوزستان شده بود. بعضی از صابئین زرگر، در خانه کار می‌کردند و بعضی دیگر مکان ثابتی نداشتند. این زرگرها به علت نبود امکانات حمل‌ونقل، گاهی در یک روستا خانه‌ای را اجاره می‌کردند، سفارشات آن آبادی را انجام می‌دادند و بعد از مدتی به روستای دیگری نقل مکان نموده و امورات خود را می‌گذراندند. این زرگرها در کلیه مناطق جنوبی خوزستان مشاهده می‌شدند و بعضی اوقات در مناطق شرقی و جنوبی عراق سکنی داشتند.

۶. مردم‌شناسی زیورآلات مردم بختیاری و عرب

مردم بختیاری و عرب که در گذشته در حاشیه و متن شوشتر ساکن بوده‌اند، به تبعیت از بافت زندگی خود با زیورسازان شهر شوشتر ارتباط داشته و هرکدام زیورآلات مخصوص به خود را داشته‌اند. در این میان زیورآلات مردم بختیاری عمدتاً از جنس نقره و مفرغ و برای نصب بر روی لباس بوده است. بندسوزن، گوی دستمال، بن‌نای، خالک و میل‌پا، برخی از زیورآلات مربوط به مردم بختیاری‌اند. زیورآلات مردم عرب خوزستان شامل سه دسته زیورآلات سر و صورت، گردن‌آویزها، و دست‌بندهاست. زیورآلات سر و صورت، شامل چُلْأَب (گیره روسری)، چِف البَادَه (گوشواره)، پَلِکِیْتَه (گیره مو)، ذَلَاغَه (موبند)، گَبْگَب (تاج عروس) و شِعاغَه (خالک بینی) است. طَوگ، قَبَچِی و مَکَسِرَه، زیورآلات گردن و مَگَدَس، مَفَاتِیْل، مَعَضد و حُوصَه هم جز انواع دست‌بندها هستند.

۷. بحث و تحلیل یافته‌ها

در این پژوهش، زیورآلات به سه بخش مربوط به پوشاک و مو، زیورآلات قابل نصب بر اعضای بدن و ابزارهای کاربردی و آرایه‌ای تقسیم شده‌اند که در ادامه به ترتیب به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۷-۱. زیورآلات پوشاک و مو

زیورآلات سنتی معمولاً با فلزات گران‌بهای چون طلا و در بعضی موارد نقره ساخته می‌شوند. در برخی از مناطق جغرافیایی ایران، بنا به وضعیت خاص سنتی و فرهنگی ساکنان آن از اشیاء تزئینی برای البسه استفاده می‌کنند و پابندی به آن به‌منزله حفظ ارزش‌های معنوی و نمادین است. «پوشاک نمایشگر آداب و عادات مردمان یک جامعه است که از طریق ویژگی‌های موجود آن با انسان‌ها ارتباط برقرار می‌شود» (محمدی سیف، ۱۳۹۸: ۴۰). وقتی از زیورآلات یا پوشاک قوم یا ملتی سخن به میان می‌آید، بدون تردید فرهنگ و تمدن آن مورد توجه است زیرا که پیام‌ها، نشانه‌ها و سمبل‌هایی از فرهنگ و تمدن و باورهای آن قوم در آن‌ها بازتاب یافته‌اند. سکه از وسایل پرستفاده در البسه زنان شوشتر بوده و در زیورآلات و تزئینات لباس آن‌ها به‌وفور از آن استفاده شده‌است. طلسم‌ها و دعا‌هایی که روی فلز حکاکی شده‌اند نیز در این مجموعه جای دارند. هریک از زیورآلات با ابزار زرگری خاصی ساخته شده‌است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۷-۱-۱. سنجا قفلی

برای محکم کردن عبا، کلاه و ثابت کردن «دوم» (روسری خاص زنان شوشتری) یا سایر لباس‌ها، سنجا قفلی کاربرد داشته و معمولاً از جنس برنز و آهن ساخته شده و با جواهرات، شیشه، مرجان یا حتی استخوان تزئین می‌شده‌است. بعدها این سنجاها از طلا، نقره و برنج ساخته شدند. هم‌چنین از سنجاها برای طلا برای بستن دعا و پارچه‌های متبرک یا مهره آبی استفاده می‌شود. در تصاویر (۱ و ۲) یکی از این سنجاها با سکه و دیگری با آویزهای ستاره‌ای و طرح گل تزئین شده‌است. در نمونه دوم از آویز ستاره‌ای و نگین چشم‌زخم استفاده شده که نشان می‌دهد علاوه بر کارکرد تزئینی، بلاگردان (برای دفع چشم‌زخم) نیز بوده‌است.



تصویر ۲: سنجا طلای ۱۸ عیار، کارکرد تزئینی: برای دفع چشم‌زخم و ثابت نگه‌داشتن انواع روسری و شال (مجموعه محمد برگریزان)



تصویر ۱: سنجا طلای ۲۲ عیار، قدمت اثر: دوره صفوی، کارکرد تزئینی: ثابت نگه‌داشتن انواع روسری و شال، کارکرد نمادین: زیبایی‌شناختی و مشخص کردن طبقه اجتماعی (مجموعه محمد برگریزان)

مجموعه
بهره‌ها
ایران

دفصلنامه علمی هنرهای صناعی ایران

سال هفتم، شماره ۱، پیاپی ۱۲

بهار و تابستان ۱۴۰۳

۹

۷-۱-۲. بند سیزن (بند سوزن)

بند سیزن، سینه‌ریزی از سکه بوده که به وسیله سوزن‌ها از دو طرف به پوشاک سر متصل می‌شده‌است (تصویر ۳). به گفته نژادفتحی، این شیء توسط زنان بختیاری در جشن‌ها و مراسم عروسی مورد استفاده قرار می‌گرفته و از سکه‌های رایج هر دوره (چون احمدشاهی و رضاشاهی و در دوره اخیر از پنج‌ریالی) که اغلب از جنس نقره، ورشو یا نیکل بوده، جهت تزئین آن استفاده می‌شده‌است (راد نژادفتحی، گفت‌وگو پیرامون زیورآلات بختیاری، مصاحبه آذر ۱۴۰۱).

۷-۱-۳. گوی دستمال

گوی دستمال نوعی زینت به‌کار رفته بر البسه زنان بختیاری است که در هنگام جشن و شادی در انتهای می‌نا (شال زنان بختیاری) نصب می‌شود و برای زیبایی بیش‌تر و ایجاد صدای گوش‌نواز مورد استفاده قرار می‌گیرد (تصویر ۴).



تصویر ۴: گوی دستمال، قدمت اثر: دوره پهلوی، کارکرد تزئینی: استفاده در مراسم شادی و جشن عروسی (مجموعه راد نژادفتحی)



تصویر ۳: بند سوزن، قدمت اثر: دوره پهلوی، کارکرد تزئینی: استفاده در مجالس شادی و جشن عروسی (مجموعه راد نژادفتحی)

۷-۱-۴. زلف

زلف از زیورآلات سنتی شوشتر است که با گیره‌ای بلند آن را به چارقد، روسری، شیله (پوشش سر زنان عرب) یا به موهای مجعد می‌بستند. این قطعه تزئینی و منقوش به صورت طرح ترمه مزین به فیروزه، یاقوت و منجوق ساخته می‌شده و در میان زنان عرب متقاضی داشته‌است (تصویر ۵).

۷-۱-۵. بُن‌نای (زیرچانه یا زیرگردنی)

«نا» در زبان بختیاری به معنای گردن است و بن‌نای، آویزی تزئینی است که زنان بختیاری آن را به بند گره‌خورده لچک در زیر گلو وصل می‌کنند و به آن زیرلچکی، بُنایی، یا زُنا هم می‌گویند و معمولاً از جنس طلا و همراه سکه و نیز منقوش است. در میان زنان شوشتر، تیتک طلا یا تیتک حلبی نیز مرسوم بوده‌است. به دلیل طلای نازکی که در ساخت تیتک حلبی استفاده می‌شد به این نام معروف شده‌است. بن‌نای در دسته زیورآلات گردن‌آویز جای دارد و به شکل لوزی با تعداد زیادی «پرک» است. آویزهای پولک‌مانند و سبکی از جنس طلا که به زیور متصل می‌شوند را پرک می‌نامند. در میان زنان عرب، زیور زیرگردنی به چلاب معروف است (تصاویر ۶ و ۷).



تصویر ۷: چلاب، مورد استفاده زنان عرب (مجموعه محمود حسین‌زاده)



تصویر ۶: بُن‌نای، مورد استفاده زنان بختیاری (مجموعه محمود حسین‌زاده)



تصویر ۵: نمونه‌ای از زلف (مجموعه محمود حسین‌زاده)

۷-۱-۶. گل‌تاج (سنجاق مو یا روسری)

گل‌تاج سنجاقی برای مو یا روسری در دو نوع نگین‌دار و بدون نگین است و نوع نگین‌دار آن مزین به فیروزه و یاقوت است. اصولاً جنس گل‌تاج از طلا است و گاهی سنجاق پشت‌سر از مس ساخته می‌شود. این سنجاق علاوه بر کاربردی بودن، کارکرد تزئینی و زیبایی نیز داشته‌است (تصاویر ۸ و ۹).

۷-۱-۷. زاگور و خوخه

این زیور برای زینت موهای زنان بختیاری و عرب ساخته می‌شده و زنان در جشن‌ها برای زیبایی آن را به صورت یکی در میان بین گیسوان خود جای می‌دادند (تصاویر ۱۰ و ۱۱).



تصویر ۱۱: خوچه
(مجموعه محمود حسین زاده)



تصویر ۱۰: زاگور
(مجموعه محمود حسین زاده)



تصویر ۹: گل تاج طلا بدون نگین
(مجموعه محمود حسین زاده)



تصویر ۸: گل تاج طلای نگین دار
(مجموعه محمود حسین زاده)

۸-۱-۷. دکمه سردست (سرآستین)

دکمه سرآستین ویژه لباس داماد است که توسط خانواده عروس تهیه و در روز عروسی و در مراسم «حمام داماد» طی تشریفات استفاده می‌شود. این دکمه در اشکال مختلف سکه‌ای، نگین دار، میناکاری و ... از جنس طلا یا نقره ساخته می‌شده و عمدتاً کارکرد تزئینی داشته‌است (تصویر ۱۲).

۹-۱-۷. تله

تله زیوری است که به صورت آویز گردن بند، زلف گیسوان یا سربند زنان عرب، ساخته و به منظور زیبایی استفاده می‌شده‌است (تصویر ۱۳).

۱۰-۱-۷. ماشاءالله

زیور ماشاءالله یا «نوم‌خدا» برای زینت دادن به سربند زنان یا بستن به یقه لباس استفاده می‌شده و منقوش و از جنس طلا بوده‌است (تصویر ۱۴).



تصویر ۱۴: آویز ماشاءالله
(مجموعه محمود حسین زاده)



تصویر ۱۳: تله، قدمت اثر: دوره پهلوی (مجموعه محمد برگریزان)



تصویر ۱۲: نمونه‌هایی از دکمه سرآستین
(مجموعه محمد برگریزان)

۲-۷. زیورآلات قابل نصب بر بدن

زیورآلات زنانه‌ای که بر اعضای بدن جای می‌گرفتند شامل دست‌بند، میل‌یا، میل‌کول، سینه‌ریز، عرون، حجول، تی طلا، خت ختیک، خالک، خروسک و مانند آن بوده‌اند که هرکدام بنا بر کاربرد خاص خود کارایی منحصر به فردی داشته‌اند.

۱-۲-۷. خالک یا گرمفل

خالک، زیوری است که به پره سمت چپ بینی متصل می‌شود و در میان زنان عرب به صورت بزرگ‌تر و با گرم بالا استفاده می‌شده اما در بین زنان شوشتر به اندازه یک خال بوده و شاید نام‌گذاری خالک هم بدین علت بوده‌است. در بین زنان شوشتری خالک به صورت یک گل‌ریز به شکل پایه گوشواره درون بینی می‌رفته و بر این اعتقاد بودند که استفاده از خالک با نگین فیروزه و یاقوت و نگاه کردن به آن بینایی چشم را تقویت می‌کند. خالک در میان زنان بختیاری هم استفاده می‌شده و اندازه آن بزرگ‌تر بوده‌است (تصویر ۱۵).

۷-۲-۲. عرون

این زیور مورد استفاده زنان عرب بوده و از داخل سوراخ بینی رد می‌شده و به وسیله گیره‌ای متصل به آن بسته می‌شده است (تصویر ۱۶).

۷-۲-۳. انواع پابند

میل یا پابندی از نقره بود که داماد به‌عنوان مهریه یا هدیه به عروس تقدیم می‌نمود، به این ترتیب عروس تا پایان زندگی پابند همسر خود می‌ماند. میل یا را به پایین پا می‌بستند و معمولاً دوسر آن به هم نمی‌رسید و با یک‌دیگر فاصله داشت. میل یا از زیورآلات محبوب بانوان بوده که از هزاران سال پیش در کشورهای مختلف جهان کاربرد داشته و از فلزاتی مانند طلا، مس، نقره و تیتانیوم ساخته شده و شکل آن در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. در کشور مصر میل یا را برای زیبایی به دور پای خود می‌بستند و معمولاً از جواهرات گران‌قیمت ساخته می‌شدند و مختص افراد توانگر جامعه و نمادی از ثروت بودند. نوع دیگر آن چرمی یا بدل بوده که قشر ضعیف جامعه و برده‌ها از آن استفاده می‌کردند. در کشور هند میل یا مورد استفاده عموم مردم بوده و نوعی از ملزومات عروسی در این کشور به شمار می‌رفته و نمادی از تأهل است. در سایر کشورها به‌خصوص در کشورهای عربی پابند برای رقصنده‌ها و در رقص استفاده می‌شده است. در کشورهای آمریکایی و اروپایی نیز از دهه ۱۹۳۰ پابند برای تزئین و زیبایی پا در میان بانوان رواج پیدا کرد.

در میان مردم شوشتر میل یا تحفه‌ای بوده که کاربردی هم‌چون حلقه نامزدی داشته است و به نشانه پای‌بندی به دختر موردنظر پیشکش می‌کرده‌اند. بعد از مرگ همسر استفاده از میل یا در شوشتر به دو صورت بوده است، بعضاً زنان به نشانه وفاداری به همسر و اعلام این که دیگر قصد ازدواج ندارند، آن را بر پای خود نگه می‌داشتند و بعضی از زنان نیز به نشان این که دیگر همسری ندارند آن را از پای خود برمی‌داشتند. از نام‌های دیگر میل یا می‌توان به پابند، حَجُول، و خلخال اشاره نمود. این زیورآلات در سه ضخامت ساخته شده و به شیوه خاص خود مورد استفاده قرار می‌گرفتند. میل یا که بیش‌ترین ضخامت را داشت، بالای قوزک قرار می‌گرفت، حجول حجم متوسطی داشت و بالای میل یا جای داشت و در قسمت بالاتر از آن ساق یا یا خلخال (به زبان محلی خلخال) قرار می‌گرفت. به‌طور کلی بستن پابند بر پای چپ نشانه متأهل بودن و بستن آن بر پای راست نشان مجرد بودن فرد است.

میل پای نقره توپر مرسوم‌ترین نوع میل یا در بین زنان بومی خوزستان بود و در شهرهای شوشتر، دزفول و هویزه ساخته می‌شد. در شوشتر کسانی مانند مرحوم حاج مهدی وکیل زرگر و مرحوم حاج حسین سرابی، میل یا می‌ساختند. وزن این میل‌پاها بین ۴۵ تا ۵۵ مثقال با عیار ۹۰ بوده است (تصویر ۱۷). از مزایای میل پای نقره توخالی می‌توان به سبک بودن و استفاده دائم از آن اشاره کرد. وزن این میل‌پاها بین ۲۰ تا ۲۵ مثقال با عیار ۹۰ بوده است (تصاویر ۱۸ و ۱۹).

میل پای طلای توخالی (حجول) در کشور عراق مرسوم بوده است (تصویر ۲۰). از استادکاران شوشتری که در کشور عراق به این کار اشتغال داشته‌اند می‌توان به حاج جواد ولی و مرحوم اسد اسدپور اشاره کرد. وزن این میل‌پاها بین ۱۱۰ تا ۱۴۰ گرم با عیار ۲۲ بوده است. افرادی که توان مالی افزون‌تری داشتند میل پا و حجول را با هم استفاده می‌کردند و همراه آن‌ها مهره‌های کوچک رنگارنگ بافته شده (به زبان شوشتری ماره) و زیر آن‌ها مهره‌ای سیاه و قرمز (به‌زبان شوشتری قنج) می‌بستند و روی هم به آن‌ها قنج ماره می‌گفتند (مریدی شوشتری، ۱۳۹۲: ۱۶۷-۱۶۸).



تصویر ۱۷: میل یا (مجموعه راد نژادفتحی)



تصویر ۱۶: عرون (مجموعه حاج عباس زرگرباشی)



تصویر ۱۵: خالک (مجموعه محمود حسین‌زاده)



تصویر ۲۰: حجول، قدمت اثر: دوره پهلوی (مجموعه محمد برگریزان)



تصویر ۱۹: میل یا خلخال، قدمت اثر: دوره قاجار (مجموعه محمد برگریزان)



تصویر ۱۸: میل یا (مجموعه محمد برگریزان)

پابند مرجان (تصویر ۲۱) ترکیبی زیبا از مرجان و منجوق‌هایی از قیر طبیعی است که با دکمه‌هایی از جنس صدف به دور پا می‌بستند و مورد استفاده ساکنان شوشتر بوده‌است. زرگران شوشتر در ساخت زیورآلات استفاده بسیاری از مرجان می‌کرده‌اند. مرجان دریایی از ترکیب توتیا و یک گیاه تک‌سلولی ساخته شده، در دریای گرمسیری پراکنده است و در رنگ‌های سفید، صورتی، سرخ و سیاه یافت می‌شود. مرجان سرخ در جواهرسازی استفاده دارد.



تصویر ۲۱: پابند مرجان، قدمت اثر: دوره قاجار (مجموعه راد نژادفتحی)

زنگوله پای بچه نیز برای کودکان نوپا ساخته می‌شد و کاربرد آن ایجاد صدای خوشایند برای کودک بود که هم‌چنین با افزودن سنگ چشم‌زخم، کودک را از انرژی‌های منفی دور می‌کرد (تصاویر ۲۲ و ۲۳).

۲-۴-۲-۷. گوشواره

گوشواره از جمله زیورآلات بسیار قدیمی است که ابتدا در بین مردان مرسوم بوده و بعدها در بین زنان به‌عنوان شیء زینتی استفاده شده‌است. گوشواره‌های طلا در طرح‌های متنوع و با گوهرهای مختلف ساخته می‌شدند. طرح‌هایی نظیر کشکولی (بغدادی)، اشرفی یا تاجدار، خروسکی، دست دلبری، شرابه‌ای، و زرهی در گوشواره‌ها به‌کار می‌رفتند.



تصویر ۲۲: زنگوله پای بچه (مجموعه محمد برگریزان)

به گفته عباس زرگرباشی، گوشواره خروسکی نوعی از گوشواره بوده که مدل آن از عراق آمده و توسط زرگران شوشتری ساخته و تکرار می‌شده (تصاویر ۲۴ و ۲۵) و به دلیل نقش خروس در وسط این زیور، به آن خروسکی می‌گفتند (عباس زرگرباشی، مصاحبه آبان ۱۴۰۱). گوشواره شرابه‌ای، نوع دیگری از گوشواره‌ها با اشکال متنوع است که در میان آن نگین‌هایی جاگذاری شده‌است (تصویر ۲۶).



تصویر ۲۳: زنگوله پا (مجموعه راد نژادفتحی)

نام گوشواره بغدادی برگرفته از نمونه‌های ساخت بغداد است که در شوشتر به سفارش بانوان عرب‌زبان ساخته می‌شده‌است (تصویر ۲۷). نوع دیگری از گوشواره‌ها با نام دست دلبری، به شکل یک دست بوده و به همین علت آن را چنین می‌نامند (تصویر ۲۸). اشرفی تاجدار نوعی دیگر از گوشواره است که با ترکیبی از اشرفی و تزئینات دیگر ساخته می‌شده‌است (تصویر ۲۹).



تصویر ۲۶: گوشواره شرابه‌ای، ملیله خورشیدی، طلای ۱۶ عیار (مجموعه محمد برگریزان)



تصویر ۲۵: گوشواره خروسکی نقره، قدمت اثر: دوره پهلوی دوم (مجموعه محمد زرگرباشی)



تصویر ۲۴: گوشواره خروسکی (مجموعه محمود حسین‌زاده)



تصویر ۲۹: گوشواره اشرفی تاجدار (مجموعه محمد برگریزان)



تصویر ۲۸: گوشواره دست دلبری (مجموعه محمد برگریزان)



تصویر ۲۷: گوشواره بغدادی (مجموعه محمد برگریزان)

۷-۲-۵. دست‌بند

دست‌بند جزو زیورآلات تزئینی بوده که از ابتدا با سنگ، چوب و استخوان درست می‌شده و بین مردان و زنان رایج بوده‌است (تصویر ۳۰). «در نیمه اول هزاره دوم ق.م جواهرات تولیدشده در شوش مشتمل بود بر دست‌بندها و گردن‌بندهای آراسته به مهره‌های گرمکی‌شکل و دانه‌های وسطی (فاصله‌انداز) از طلای توخالی که زنان و مردان متساوی از پیکر خود می‌ساختند» (فریه، ۱۳۷۴: ۱۸۷).

فرهنگ استفاده از دست‌بند در جوامع مختلف تفاوت دارد مثلاً در هندوستان برای نشان‌دادن وضعیت اجتماعی خود از تعداد مشخصی النگو و دست‌بند استفاده می‌کردند که برای آن‌ها نماد پاکی و زیبایی بوده‌اند. دست‌بند در بعضی فرهنگ‌ها نقش جادویی داشته، چنان‌چه در آمریکای لاتین برای محافظت از چشم بد و در یونان برای محافظت در برابر اشعه سوزان خدا استفاده می‌شده‌است. دست‌بندهایی نیز وجود دارند که سنگ‌هایی با خواص درمانی فراوان را دارا بودند. دسته‌ای از دست‌بندها نیز طبق باورهای یک قوم استفاده می‌شدند مانند دست‌بند سبز متبرک و دست‌بندهای سیاه و سفید که به‌عنوان چله‌بر در میان بختیاری‌ها مرسوم بودند.

دست‌بند یا حُرّیه، کاری با اصالت است که در فرهنگ غنی ایرانی ریشه دارد و از جمله نقش‌های به‌کار رفته در تزئین دست‌بند گل‌های نیلوفر است. این دست‌بند بسته به عرض آن بین ۳۰ الی ۵۰ گرم با طلای ۲۲ عیار ساخته می‌شود (تصویر ۳۱). خواص (جمع خاصه) دست‌بند یا مچ‌بندی است که با کلید یا بدون کلید و نگین‌دار یا بدون نگین ساخته می‌شود. در ساخت این دست‌بندها بسته به ذوق سازنده و سفارش مشتری از فنون ناب زرگری استفاده می‌شود. از ملیله، قبه، گورسه، کلاف، اره‌کاری و مخراج‌کاری می‌توان به‌عنوان برخی از فنون به‌کار رفته در ساخت دست‌بندها نام برد (تصویر ۳۲). دست‌بند هیل نوعی دست‌بند است که در ساختار آن مهره‌هایی شبیه دانه‌های هل (در زبان شوشتری هیل)، استفاده می‌شده است که متأسفانه نمونه‌ای از این دست‌بند یافت نشد.

در زمان حکمرانی اعراب (آل‌جلایر، مشعشعیان و آل‌بویه) در خوزستان و هم‌چنین حضور بختیاری‌ها در شمال و اعراب در جنوب خوزستان، شوشتر که در میانه این دو قطب واقع شده بود، تحت تأثیر این فرهنگ‌ها قرار گرفت و هرچه تولید می‌شد، باید مورد علاقه این سه قوم می‌بود. چون استادکار شوشتری به ناچار تابع سلیقه این اقوام بود، تا حدودی مردم شوشتر هم از همان زیورآلات با تفاوت‌هایی استفاده

می‌کردند. در کنار دست‌بندهایی که استادکاران شوشتری می‌ساختند، نوعی دست‌بند زیبا با نگین یا بدون‌نگین برای اعراب می‌ساختند که آن را **مِفْتال** (ملوی) می‌نامیدند (تصاویر ۳۳ و ۳۴).

۶-۲-۷. النگو

در گویش شوشتری، النگو «سینه» (سهنه) نامیده می‌شود و در انواع چکشی، سنبه‌ای، بندری کلیددار، پیچ و تراش ساخته می‌شود. النگو به دلیل سهولت در پوشیدن و خارج کردن از دست، بسیار مورد توجه قرار داشت (تصاویر ۳۵ و ۳۶).



تصویر ۳۲: دست‌بند خواص
(مجموعه محمود حسین‌زاده)



تصویر ۳۱: دست‌بند «حریه»
(مجموعه محمود حسین‌زاده)



تصویر ۳۰: دست‌بند «حریه»، اثر مرحوم حاج حسین خوش
بصیرت (مجموعه محمد برگریزان)



تصویر ۳۶: النگو «سهنه»، قدمت اثر: اوایل دوره
پهلوی، طلای ۱۶ عیار (مجموعه محمود حسین‌زاده)



تصویر ۳۵: النگو «سهنه»، قدمت
اثر: اوایل دوره پهلوی، طلای ۱۶
عیار (مجموعه محمود حسین‌زاده)



تصویر ۳۴: دست‌بند مِفْتال، طلای
۲۲ عیار (مجموعه محمد برگریزان)



تصویر ۳۳: دست‌بند مِفْتال، طلای
۲۲ عیار (مجموعه محمد برگریزان)

۷-۲-۷. گردن‌بند یا سینه‌ریز

گردن‌بند نیز از جمله زیورآلاتی بوده که از دوران باستان مورد استفاده قرار داشته‌است. گردن‌بند ابتدا به‌وسیله صدف و چوب و سنگ تهیه و بعدها با طلا و نقره و فلزات گران‌بها ساخته می‌شد و برای زینت‌بخشی به آن از پلاک و سنگ‌های قیمتی و سکه‌ها استفاده می‌کردند. برخی گردن‌بندها کاربرد اعتقادی نیز داشتند، مانند مهره «سَبَه» که از ورود آل یا بختک به داخل خانه جلوگیری می‌کرد، یا گردن‌بندهایی که برای چشم‌زخم استفاده می‌شدند. در شوشتر نیز نوعی گردن‌بند لوله‌ای شکل رایج بوده که به آن فولاد یا بلولک می‌گفتند و عبارت از یک تکه لوله طلا یا نقره بود که دو فیروزه در طرفین آن قرار داشت و بیش‌تر مورد استفاده زنان باردار بود و داخل این لوله، برای حفاظت از مادر و نوزاد دعا می‌گذاشتند.



تصویر ۳۷: حرز جواد، بلولک نقره
(مجموعه آقای راد نژادفتحی)

نوع دیگری از گردن‌بند، حرز جواد نام داشت که دارای چند ربع لیبه یا اشرفی بود و پایین آن بلولکی که سه تکه طلا (پرک) به آن آویزان شده بود، جای داشت (تصویر ۳۷). به‌طور کلی حرز جواد، نام دعایی از امام جواد (ع) است که در مفاتیح آمده و به نیت دوری از بلا آن را روی پوست آهو می‌نویسند و در انگشتر یا گردن‌بند طلا و نقره جاسازی می‌کنند. گردن‌بند دیگری نیز وجود داشته که به آن قفل طلا می‌گفتند و روی آن نگین و طرفین آن اشرفی بوده‌است (مریدی شوشتری، ۱۳۹۲: ۲۰۷).

گردن‌بند شرابه‌ای، سینه‌ریزی بود که به وسیله پولک‌های آویزانی به شکل ماه و ستاره ساخته شده و به خاطر آویزان بودن پولک‌های آن به این نام مشهور بود (تصویر ۳۸). گردن‌بند سه‌لیره، سینه‌ریزی است که از سکه (لیره) در تزئین آن استفاده شده و به صورت سه‌لیره و هفت‌لیره مرسوم است (تصویر ۳۹). گردن‌بند قفل نیز در هردو نوع طلا و نقره ساخته می‌شده که روی آن دعای مهر و محبت می‌نوشتند (تصویر ۴۰). گردن‌بند مرجان هم تلفیقی از مرجان و عقیق و سکه‌های قاچاری و ماقبل آن است. در نمونه تصویر (۴۱) شش عدد مرجان سفید به همراه شش عدد عقیق سلیمانی لوله‌مانند، در فواصلی معین بین سنگ‌های عقیق اشکی و سکه‌های طلا و مرجان‌های سرخ چیده شده‌اند.



تصویر ۴۱: گردن‌بند مرجان (مجموعه محمد برگریزان)



تصویر ۴۰: گردن‌بند قفل و کلید (مجموعه محمد زرگرباشی)



تصویر ۳۹: گردن‌بند سه‌لیره (مجموعه حاج عباس زرگرباشی)



تصویر ۳۸: گردن‌بند شرابه‌ای، قدمت اثر: دوره پهلوی، سازنده: شادروان حاج ابراهیم زرگرباشی، طلای ۱۷ عیار (مجموعه محمد برگریزان)

۷-۲-۸. طلسم

استفاده از سحر و جادو از زمان‌های کهن در میان مردمان سرزمین‌های مختلف رواج داشته و با اعتقاد به تأثیر طلسم و جادو در دورکردن دیوان، ارواح زیان‌کار و نیروهای شر، روش‌های متفاوتی را برای استفاده از جادو به کار می‌برده‌اند. مردم شوشتر نیز با همین اعتقاد و باور از طلسم‌ها و تمویذها استفاده می‌کردند. طلسم یک شیء متشکل از واژه‌ها، شمارگان، نگاره‌ها و جداول است که یک باور قدیمی را دربر دارد و هدف آن التیام یا آسیب‌رساندن به افرادی است که مورد نظر هستند یا می‌تواند جنبهٔ محافظتی داشته باشد. طلسم‌ها غالباً قابل حمل هستند و به‌عنوان گردن‌آویز استفاده می‌شوند یا این که در جای ثابتی گذاشته می‌شوند (تصویر ۴۲).

طلسم قمری یکی از طلسم‌هایی بود که برای زوجین سفارش داده می‌شد و نام عروس و داماد بر روی آن به همراه حروف دعایی اِجْد حَک می‌گردید. یکی از انواع گردن‌بندهای قدیمی شوشتری به‌صورت پایه طلای گرد بزرگی دارای نقش و نگار بود که سه تکه طلا به آن آویزان بود. بالای قمری آهن‌ربایی با روکش طلا جای داشت که روی آن نگینی فیروزه داشت و بالای آهن‌ربا بلولک طلا قرار داشت که چند طلا (پرک) به آن آویزان بود (تصویر ۴۳).



تصویر ۴۳: قمری طلا و طلسم حکاکی‌شدهٔ نقره (مجموعه محمد برگریزان)



تصویر ۴۲: طلسم مزین با نقوش انسانی و حیوانی (مجموعه شخصی راد نژادفتحی)

باور مردم بر این بود که بعضی از سنگ‌ها علاوه بر جنبهٔ زیبایی می‌توانند خواص درمانی یا کاربردهای ماورائی داشته باشند. در تصویر (۴۴) نمونه‌هایی از این سنگ‌ها که با نام «هَب‌هاب» معروف است، مشاهده می‌شوند.

۷-۲-۹. میل کول

میل کول (بازوبند) عروس و داماد، با آیات قرآنی (الم، الر، کهیعیص و ...) و دعاهایی با حروف ابجد مزین شده و نام زوجین در آن قید گردیده است. این گونه بازوبندها به مانند پابندها و قمری‌ها نشانگر تعهدی بوده که زوجین تا آخر عمر به یکدیگر داشته‌اند. نوعی میل کول که شکلی مارمانند دارد، زُند خوانده می‌شود (تصاویر ۴۵ و ۴۶).



تصویر ۴۶: میل کول زند (مجموعه محمد برگریزان)



تصویر ۴۵: میل کول (مجموعه محمد برگریزان)



تصویر ۴۴: سنگ‌های اعتقادی (مجموعه رادنژاد فتحی)

۷-۲-۱۰. انگشتر

انگشتر از جمله زیورآلاتی است که اکثراً بدون نگین استفاده می‌شد و اگر دارای نگین بود، معمولاً از جنس یاقوت یا فیروزه بود. یکی از نمونه انگشترهای نگین‌دار ساخت شوشتر، سیدی نام داشته است. استفاده از یاقوت از دیرباز مورد علاقه بانوان بوده و شاید هم به خاطر سفارش ائمه در استفاده از انگشتر یاقوت بوده است (تصویر ۴۷). نوعی از انگشتر به نام انگشتر رجبی در شوشتر مورد استفاده مردم بوده که با نیات مذهبی، در ماه رجب دعای این ماه را روی انگشتر نوشته و به دست می‌کردند (تصویر ۴۸).

در خصوص رواج انگشتر فیروزه باید اشاره شود که «سنگ فیروزه به جهت رنگ خاص و متمایزش که از آن به عنوان رنگ ایرانی یاد می‌کنند، همواره از شاخصه‌های هنر ایران به شمار می‌آید» (محمدی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۱۲). سنگ فیروزه همیشه در جواهرسازی با طلا و نقره همراه بوده و به خاطر خواص آن مورد توجه بوده است. فیروزه چشم را تقویت کرده و همچنین طبق باور مردم، گذاشتن آن روی گلو به عنوان گردن‌بند برای درمان گلودرد و تقویت تارهای صوتی موثر بوده است. رنگ آبی فیروزه، افسردگی روحی را نیز درمان می‌کرده است و شاید استفاده از سنگ فیروزه در زیورآلات علاوه بر زیبایی آن به علت باور مردم به خواص درمانی سنگ فیروزه باشد (تصویر ۴۹).



تصویر ۴۹: انگشتر فیروزه (مجموعه محمد برگریزان)



تصویر ۴۸: انگشتر رجبی (مجموعه محمد برگریزان)



تصویر ۴۷: انگشتر یاقوت (مجموعه محمد برگریزان)

۷-۳-۳. ابزارهای کاربردی و آرایه‌ای

۷-۳-۱. تکه گذر

تکه گذر نقره، از وسایلی است که کاربردی همانند سنجاق امروزی داشته و به گفته حسین‌زاده برای عبور کش از لباس‌های پایین‌تنه (شلوار و دامن و مانند آن) استفاده می‌شده است (تصویر ۵۰). جنس تکه‌گذرها از بهترین چوب‌ها نظیر کهور و آبنوس بود و به وسیله کلاهکی نقش‌دار از نقره یا طلا مزین می‌گردید و همراه عروس به خانه بخت می‌رفت (محمود حسین‌زاده، مصاحبه آبان ۱۴۰۱).

۷-۳-۲. کلیپ (بقچه بند)

گیره‌ای که برای بستن بقچه لباس عروس استفاده می‌شد، کلیپ نامیده می‌شد. طی تشریفات این بقچه را به‌همراه وسایل دیگر بر خوانچه‌ای به خانه بخت می‌بردند (تصویر ۵۱).

۷-۳-۳. جعبه سنگ‌پا

در شوشتر، از کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین وسایل جهیزیه دختران را طبق توان مالی خانواده به بهترین شکل ممکن می‌آراستند. به گفته محمد برگریزان، سنگ‌پا نیز یکی از وسایلی بود که در جهیزیه عروس قرار می‌دادند و برای آن رویه‌ای از طلا یا نقره می‌ساختند. این رویه سنگ‌پا با نقش و نگارهای مختلف در دو جنس طلا و نقره ساخته می‌شد (تصویر ۵۲). اکنون این رسم به دست فراموشی سپرده شده است (محمد برگریزان، مصاحبه آذر ۱۴۰۱).

۷-۳-۴. پایه دسته بادبزنی

در مراسم ازدواج سنتی در شوشتر، در روز عروسی، جشنی برای داماد گرفته می‌شد که به «در حمومی» معروف بوده است. در این مراسم بادبزنی‌هایی تزئین‌شده از طرف خانواده عروس برای داماد فرستاده می‌شدند و مطابق با توان مالی خانواده عروس، برای بادبزنی داماد پایه‌های نقره یا طلا در نظر گرفته می‌شد (تصویر ۵۳). به گفته محمد زرگرباشی، بعد از بیرون آمدن داماد از حمام او را با شعر و موسیقی و رقصاندن بادبزنی همراهی کرده و مراسم پایکوبی را برگزار می‌کردند. این پایه‌های تزئین‌شده به صورت دو لوله در بالا و پایین دسته بادبزنی ساخته می‌شدند (محمد زرگرباشی، مصاحبه آذر ۱۴۰۱).



تصویر ۵۱: کلیپ، از جنس طلای ۱۶ عیار (مجموعه محمد برگریزان)



تصویر ۵۰: تکه‌گذر (مجموعه محمود حسین‌زاده)



تصویر ۵۲: پایه دسته بادبزنی (مجموعه محمد زرگرباشی)



تصویر ۵۳: جعبه سنگ‌پا، از جنس نقره (مجموعه محمد برگریزان)

۷-۳-۵. سورمه‌دان‌ها

سورمه‌دان‌ها نیز از زیورآلات کاربردی به شمار می‌روند که در انواع مختلف طلا، نقره و برنج ساخته می‌شوند. استفاده فراوان از سورمه به علت خاصیت درمانی و سفارش ائمه اطهار موجب شد که سورمه‌دان‌هایی با اشکال متنوع توسط صنعت‌گران این حرفه ساخته شوند. در میان مردم شوشتر این باور وجود داشت که استفاده از سورمه از چشم در مقابل نور آفتاب محافظت می‌کند. تزئینات میل سرمه‌دان‌ها متنوع است و در تصاویر (۵۴ تا ۵۶) برخی از آن‌ها دیده می‌شوند.



تصویر ۵۶: سورمه‌دان‌های نقره (مجموعه راد نژادفتحی)



تصویر ۵۵: سورمه‌دان‌های نقره (مجموعه راد نژادفتحی)



تصویر ۵۴: سورمه‌دان و میل سورمه خروسکی، و گیره موی طلا، ۱۸ عیار (مجموعه محمد برگریزان)

۸. سخن آخر

شهر شوشتر که تا دهه اول سده چهاردهم خورشیدی مرکز استان خوزستان بود، به جز پیشینه شهری، از فرهنگی غنی و پربافت برخوردار بود که نمود آن در سیستم آبرسانی ساسانی، شهرت انواع پارچه‌های نفیس مانند دیبا و پرند و معماری بااصالت و بافت سنتی آن برجای مانده است. این شهر به واسطه مرکزیت خود و نیز مراودات درون مرزی و برون مرزی، در گذشته محل آمد و شد افراد و نیز شکل‌گیری هنر و حرفه‌های مختلف از جمله هنرهای صناعی و زیورآلات به‌عنوان زیرمجموعه آن بوده است. در گفت‌وگو با سالمندان این شهر، تجارت مردمان شوشتر در سده‌های پیشین به‌ویژه با هندوستان همواره یادآوری می‌شود. در این شهر به دلیل تجمع یا تردد اقوام مختلف به‌ویژه دو قوم بزرگ بختیاری و عرب با فرهنگ و باورهای عمیق خود در مرکز و اطراف شوشتر و نیز رفع نیاز این دو قومیت، گونه‌ای از زیورآلات ساخته شده‌اند که سلاقی سه‌گانه مردم شوشتر، بختیاری و عرب را در فضای چندفرهنگی آن تأمین کرده‌اند. این زیورآلات که بخشی از آن‌ها در این پژوهش معرفی شدند، علاوه بر این که تسلط استادکاران این شهر را به رخ می‌کشند، بیان‌گر هم‌گرایی فرهنگی در تولید و مصرف کالای غیرمصرفی و بادوام چون زیورآلات در خلال حفظ ارزش‌های درون فرهنگی هرکدام از این فرهنگ‌هاست. این روابط زنده، محصول ارتباط زنده و مستمر فرهنگ متن و حاشیه است. رویکردی که با سلوک و منش روادار مردم شوشتر هم‌بستگی داشته و منجر به تعامل فرهنگی و خلق آرایه‌هایی ماندگار شده و مصادیق آن آرایه‌ها، بن‌نای، چلاب و دست‌بند هیل است که به ترتیب مورد کاربرد مردم بختیاری، عرب و شوشتری هستند. زاگور و خوچه زیور مشترک مردم بختیاری و عرب هستند. موارد دیگری نظیر چف‌الباده (گوشواره)، دلاعه (موبند از جنس طلا یا نقره با مهره‌های رنگی)، گبگاب (تاج عروس)، شعاعه (عرون)، طوگ، مکسره و قابچی را نیز می‌توان نام برد.

۹. نتیجه‌گیری

ساکنین شوشتر ترکیبی از چند فرهنگ مختلف چون شوشتری، بختیاری و عرب هستند که در چند سال اخیر در متن و حاشیه این شهر با فراز و فرود در کنار هم زیست اجتماعی داشته‌اند. وجود این شهر به‌عنوان مرکز خوزستان تا حدود یک‌صد سال پیش و سابقه درخشان آن در تولید برخی از پارچه‌ها، پوشاک و مبادله آن‌ها، از صنعت‌گران این شهر به‌ویژه زیورسازان، استادکارانی متبحر ساخته است. این موضوع سبب شده تا به تاسی از سنت‌های گذشته، زیورسازان آن اقلام مختلف تزئینی، ملزومات زندگی و نیز اشیاء دوگانه تزئینی و اعتقادی، بلاگردان یا دفع شر را بر اساس سلیقه‌های مختلف ساکنانی که جمعیت بیش‌تری در این شهر دارند، به تولید برسانند. ساکنانی که با فرهنگی تلفیقی که بخشی از آن تحت‌تأثیر جغرافیای زیست این مردم بوده و نظریه‌پردازان از آن به نام ادغام فرهنگی یاد می‌کنند، سال‌ها در کنار یکدیگر زیست اجتماعی داشته‌اند. در چنین بافت زیستی‌ای، زیورآلاتی چون بن‌نای، چلاب و دست‌بند هیل که به ترتیب مورد کاربرد مردم بختیاری، عرب و شوشتری بوده‌اند یا زیوری چون زاگور و خوچه که مورد استفاده مشترک مردم بختیاری و عرب بوده، برساخته تقاضای چندفرهنگی این شهر بوده‌اند که طی این فرایند، مفهوم کلیدی «هم‌گرایی فرهنگی» آشکار شده است. این امر نشان‌دهنده تمایل این فرهنگ‌ها به ادغام و ایجاد نقاط مشترک است. برخی از این اشیاء ضمن کارکرد تزئینی، برای دفع شر یا بلاگردان نیز استفاده می‌شدند. زیورآلاتی چون سنجاق‌ها، گوی دستمال، بندسوزن، کلپ و تکه‌بند با کارکردی تزئینی و بلاگردان در این شمارند. هم‌چنین زیورآلات تن‌آویز چون دست‌بندها، گوشواره‌ها، سینه‌ریزه‌ها، میل‌یا، خالک و مانند آن که بعضاً کارکرد دوگانه زیور و بلاگردان داشته‌اند، برخی دیگر از این اشیاء هستند.

زیورآلات متصل به پوشاک هم با تنوعی قابل اعتنا از جزئی‌ترین و به نظر بی‌اهمیت‌ترین آن‌ها به‌وسیلهٔ زیورسازان شوشتر ساخته می‌شدند. به نظر می‌رسد این‌گونه زیورآلات، مورد استفادهٔ جمعیت شهری شوشتر بوده‌اند. این زیورآلات اگرچه با توجه به سلیقه و بافت فرهنگی غالب سه‌گانهٔ شوشتری، بختیاری و عرب اطراف یا ساکن شهر ساخته می‌شده‌اند، اما به نظر سبک و سیاق زیورساز در آن‌ها غالب شده‌است. نام‌های بعضاً ناآشنای امروزی برخی از این زیورآلات، نشأت‌گرفته از بافت چندفرهنگی این شهر بوده‌است. هم‌چنین وجود تزئین یا نقش و ارزش‌آفرینی به اشیائی نه‌چندان پراهمیت (به‌زعم افکار امروزی) چون سنگ‌پا و قطعه فلز پایین و بالای بادبزن، نشان از تداوم سنت تزئین‌گرایی در هنر ایرانی است که در بطن شهری چندفرهنگی با هم‌گرایی فرهنگی، همواره برای آن تقاضا وجود داشته‌است.

پی‌نوشت‌ها

1. Cantin Dick
2. John Taylor
3. Tobias Tiyu
4. Claude Lévi-Strauss
5. Anthony Giddens
6. Wallerstein
7. Cultural Integration
8. Anastasia Varath

منابع

- احمدی‌واستانی، سهیل، نوکنده، جبرئیل، و ده پهلوان، مصطفی. (۱۴۰۰). بررسی زیورآلات دوره ساسانی شمال ایران، حاصل کاوش‌های علمی باستان‌شناسی. جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام، ۶ (۲)، ۱۵۵-۱۶۸. doi: 10.22034/iaej.2022.11190
- آزاد، آرزو، و احمدپناه، ابوتراب. (۱۴۰۱). بررسی نقوش زیورآلات زنان ترکمن (در ارتباط با آیین ازدواج). زن در فرهنگ و هنر، ۱۴ (۱)، ۲۷-۵۵. doi: 10.22059/jwica.2022.333144.1710
- باقری، فریبا. (۱۳۸۵). نگاهی به میناکاری اهواز. مجله رشد آموزش هنر، شماره ۸، ۱۲-۱۴.
- زواری، مبینا، و چیت‌سازیان، امیرحسین. (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی نمادگرایی در زیورآلات اقوام ترکمن و بلوچ در ایران. هنرهای صناعی ایران، ۳ (۲)، ۱۲۱-۱۳۰. doi: 10.22052/3.2.121.121-130
- طهوری، نیر، و محمدی، عفت. (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل نقش نماد در زیورآلات عصر حاضر. ششمین کنفرانس بین‌المللی زبان و ادبیات. تفلیس، گرجستان.
- فاضلی، نعمت‌الله، و رسولی، محمد. (۱۳۹۱). بررسی روابط تعامل بین فرهنگی و شهروندی؛ پژوهشی انسان‌شناختی در ارامنه تهران. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۲ (۲)، ۷-۲۷. doi: 10.22059/ijar.2013.50664
- فریه، ر. دلیو. (۱۳۷۴). هنرهای ایران. ترجمه پرویز مرزبان. تهران: فرزانه پور.
- قاسمی، حمید، و اخگری، محمد. (۱۴۰۰). مرجع پژوهش. ویراست نوزدهم. تهران: اندیشه آرا.
- کخ، هاید ماری. (۱۳۷۶). از زبان داریوش. ترجمه پرویز رجیبی. تهران: کارنگ.
- گیو قصاب، عبدالناصر. (۱۳۹۲). زیورآلات؛ زیبایی و تمدن ایرانند. پژوهش هنر، ۱ (۳)، ۱۲-۱۷.
- محمدی سیف، معصومه. (۱۳۹۸). جامعه‌شناسی پوشاک سنتی و زیورآلات زنان ایران زمین. تهران: اندیشه احسان.
- محمدی‌زاده، اکرم. (۱۳۹۲). کاربرد سنگ فیروزه در زیورآلات ایرانی. پژوهش هنر، ۱ (۳)، ۱۰۷-۱۱۲.
- مریدی شوشتری، اکرم. (۱۳۹۲). شوشتر یعنی خوبتر. اهواز: ترآوا.
- میثاقی، مریم، و مرادمند، فرزانه. (۱۳۸۱). میناکاری صابئین. کتاب ماه هنر، شماره ۵۳ و ۵۴، ۱۲۲-۱۲۷.
- میرجعفری، حسین، و سیدبنکدار، سیدمسعود. (۱۳۸۷). زرگری و جواهرسازی در عصر صفوی. مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۲ (۵۳)، ۱-۱۶.

هوشیار، مهران، و زاهدی‌فر، سارا. (۱۳۸۶). مینای صابین، زیوری از جنس تاریخ. مجله آینه خیال، شماره ۱، ۷۴-۷۹.
یاقوتی، سپیده، و دادور، ابوالقاسم. (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی سیر تحول و تطور زیورآلات ایران در دوره هخامنشی و اشکانی. جلوه هنر، ۱۲
(۴)، ۹۷-۱۰۹. doi: 10.22051/jzh.2017.9873.1106

Open-AI. (2023). Multiculturalism.GPT-4o, Claude 3.5 Sonnet, Gemini 1.5 Pro (Sep 14 Version), <https://chat.openai.com/chat>

مناظر
بهره‌ها
ایران

دفصلنامه علمی هنرهای صناعی ایران

سال هفتم، شماره ۱، پیاپی ۱۲

بهار و تابستان ۱۴۰۳

Ethnography of Ornaments in the Last Hundred Years of Shushtar from a Multicultural Perspective

Mansour Kolahkaj

Associate Professor, Graphic Design Department, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (Corresponding Author)/ mansor.kolahkaj@gmail.com

Masoumeh Sodeir

M.A. in Art Research, Art Research Department, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz Iran/ sodeirmasoumeh@gmail.com

Zahra Rasti

M.A. in Art Research, Art Research Department, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz Iran/ zahra.rasti1985@gmail.com

Received: 05/05/2024

Accepted: 14/08/2024

Introduction

Ornaments constitute a broad category of cultural artifacts that serve decorative, luxurious, and occasionally functional purposes. Beyond their material and financial significance, certain types of ornaments fulfill everyday, ritualistic roles, symbolizing the cultural identity, beliefs, and the ideologies of societies while they reflect the craftsmanship and aesthetic sensibilities of artisans across different historical periods. Among these regions, the city of Shushtar, formerly the capital of Khuzestan province, has historically been a significant center for ornament production. Due to the cultural diversity of its inhabitants, the city's ornaments exhibit a distinctly multicultural character. This research seeks to examine the factors contributing to the development of this multicultural perspective in Shushtar's handicrafts. It also explores the nature of the ornaments produced within this context, aiming to identify the decorative elements and shared cultural meanings embedded in Iranian craftsmanship with a particular focus on Khuzestan region, Shushtar, and its surrounding areas over the past century.

Research Method

The present research is categorized as a qualitative and ethnographic study. One characteristic of ethnographic research is the detailed description and analysis of culture in its broadest sense. Among the various approaches to ethnography, this study adopted an interpretive and participatory approach. Data collection methods included listening to conversations—following the communication ethnography model—alongside field observations, visual documentation, interviews, and library research. Furthermore, artificial intelligence tools were employed in line to explain and enhance the theoretical framework with the latest APA style guidelines. Both in-text and external citations adhered strictly to these standards. Analysis of the conversations revealed that multiple factors—such as environmental conditions, the multicultural nature of the region, and the beliefs of its inhabitants—have significantly influenced the development of various types of ornaments in Shushtar. Consequently, relying on multicultural theory, the findings of this research are presented through descriptive and analytical methods, supported by visual evidences and a semiotic analysis of ornaments within their cultural contexts. The sample was selected purposefully, comprising a total of 55 items to ensure a comprehensive exploration of the subject matter.

Research Findings

The city of Shushtar, which served as the center of Khuzestan province until the early 1300s in the Persian calendar, boasts a rich and enduring cultural history alongside its urban legacy. This heritage is exemplified by landmarks such as the Sasanian water management system, the renowned production of exquisite fabrics like silk and brocade, and the city's authentic architecture

and traditional urban fabric. Due to its central position and extensive internal and external interactions throughout history, Shushtar has been a hub for the movement of people and the flourishing of various arts and crafts, including handicrafts and ornaments. The trade relationships of Shushtar's inhabitants, particularly with India in earlier centuries, remain prominent in the collective memory of the city's ancestors.

The convergence of diverse ethnic groups, especially Bakhtiari and Arab communities, with their distinct and profound cultural roots has played a pivotal role in shaping the city's cultural and artistic identity. This multicultural environment has led to the creation of ornaments that appeal to the tastes of Shushtari, Bakhtiari, and Arab communities. These ornaments, some of which are introduced in this study, highlight not only the exceptional craftsmanship of Shushtar's jewelers but also the cultural convergence evident in the production and consumption of both durable and decorative goods. This cultural synthesis preserves the intrinsic values of each contributing culture while fostering shared artistic expressions.

The ornaments reflect the dynamic and ongoing interactions between the core and peripheral cultures of the region, which resonate deeply with the inclusive and collaborative spirit of Shushtar's people. These interactions have resulted in the creation of enduring adornments that embody cultural exchange and harmony. Examples of these adornments include the Ben-nay, Chalaab, and Hand Bracelets specific to the Bakhtiari, Arab, and Shushtari communities, respectively. Additionally, ornaments used jointly by Bakhtiari and Arab communities such as Zagour and Khokhe as well as other unique items like Chaf al-Badeh (Abuloozeh), earrings under Shileh-Dala'eh (crafted in gold or silver with colored beads), Azmam, Gatar, Gabkab, Shaa'eh (Arun), Tawg, Maskereh, Qabchi, and Zamen, illustrate the rich tapestry of cultural artistry in Shushtar.

Conclusion

The residents of Shushtar are a blend of diverse cultures, including Shushtari, Bakhtiari, and Arab communities, who have coexisted in the city and in its outskirts through various fluctuations in history. As the center of Khuzestan until approximately a century ago, Shushtar's illustrious history in fabric and garment production and trade significantly influenced its artisans, particularly its ornament makers, establishing their reputation as highly skilled craftsmen. These artisans, adhering to traditional practices, created a variety of decorative items, life necessities, and objects imbued with dualistic or religious significance. These included talismans and evil-repelling artifacts, tailored to the diverse tastes of the city's multicultural populace. This population, shaped by a fusion of cultures partially influenced by the region's geography, embodies what theorists describe as cultural integration. Over time, these communities have cohabited and cultivated shared traditions. In this sociocultural milieu, ornaments like the Bannai, Chelab, and Hil bracelets—used respectively by the Bakhtiari, Arab, and Shushtari people—or shared items like Zagur and Jorkkeh, exemplify the multicultural demands of Shushtar. The production of these ornaments underscores the concept of 'cultural convergence,' highlighting the blending of distinct cultural practices into unified expressions. Beyond their decorative functions, many of these items served as talismans to ward off evil or misfortune. Examples include pins with both aesthetic and protective purposes, handkerchiefs, clip pins, and tekke bands. Additionally, body ornaments such as bracelets, earrings, chestpieces, anklets, and rings often carried dual roles, combining decoration with symbolic or protective functions. Ornaments affixed to clothing also demonstrated a remarkable variety. Even seemingly minor and insignificant items were crafted with meticulous detail by Shushtar's ornament makers. These types of adornments appear to have been primarily used by the urban population of Shushtar. While reflecting the dominant cultural tastes of the Shushtari, Bakhtiari, and Arab tribes within the city or in its surrounding, the individual artistry and stylistic preferences of the ornament makers often prevailed. Some of these ornaments bear names that are less familiar today, a testament to Shushtar's multicultural roots. Furthermore, the presence of ornamental

designs on seemingly trivial objects such as footstones or the metal components of fans, attests to the enduring tradition of decoration in Iranian art. This tradition, rooted in the cultural convergence of Shushtar, has ensured the continuous demand for and the appreciation of artistic embellishments in this unique multicultural city.

Keywords: Ornaments, Shushtar, Ethnography, Multicultural, Khuzestan.

References

- Ahmadi Vastani, S., Nokandeh, J., & Dehpahlavan, M. (2022). Investigation of Sassanid Period Ornaments in Northern Iran, the Result of Scientific Archaeological Excavations. *Journal of Iran's Pre Islamic Archaeological Essays*, 6 (2), 155-168. doi: 10.22034/iaej.2022.11190. [in Persian].
- Azad, A., & Ahmadpanah, S. A. (2022). A Study of Turkmen Women's Jewelry Designs (in Connection with Marriage Ritual). *Journal of Woman in Culture and Arts*, 14 (1), 27-55. doi: 10.22059/jwica.2022.333144.1710. [in Persian].
- Bagheri, F. (2006). A look at Ahvaz's enamelwork. *Roshd Art Education*, No. 8, 12-14. [In Persian].
- Fazeli, N., & Rasouli, M. (2013). Investigating the Relationships between Intercultural Interaction and Citizenship; An Anthropological Research on Tehran Armenians. *Iranian Journal of Anthropological Research*, 2 (2), 7-27. doi: 10.22059/ijar.2013.50664. [in Persian].
- Frye, R. W. (1995). *Iranian Arts* (P. Marzban, Trans.). Tehran: Farzanpour. [in Persian].
- Giv Ghasab, A. (2013). Jewelry, beauty, and Iranian civilization. *Art Research*, 1 (3), 12-17. [in Persian].
- Houshyar, M., & Zahedifar, S. (2007). The enamelwork of the Sabians: A jewelry of history. *Mirror of Imagination Journal*, No. 1, 74-79. [in Persian].
- Koch, H. M. (1997). *Through Darius' Eyes* (P. Rajabi, Trans.). Tehran: Karang. [in Persian].
- Mirjafari, H., & Seyed Bankdar, S. M. (2008). Goldsmithing and jewelry-making in the Safavid era. *Scientific-Research Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan*, 2 (53), 1-16. [in Persian].
- Misaghi, M., & Moradmamand, F. (2002). Enamelwork of the Sabians. *Art Monthly Book*, 53-54, 122-127. [in Persian].
- Mohammadi Saif, M. (2019). *Sociology of traditional clothing and jewelry of Iranian women*. Tehran: Andisheh Ehsan. [in Persian].
- Mohammadi Zadeh, A. (2013). The use of turquoise in Iranian jewelry. *Art Research*, 1 (3), 107-112. [in Persian].
- Moridi Shushtari, A. (2013). *Shushtar Means Better*. Ahvaz: Tarava. [in Persian].
- Open AI. (2023). *Multiculturalism*. GPT-4o, Claude 3.5 Sonnet, Gemini 1.5 Pro (Sep 14 Version), <https://chat.openai.com/chat>
- Qasemi, H., & Akhgari, M. (2021). *Research Reference* (19th ed.). Tehran: Andisheh Ara. [in Persian].
- Tahouri, N., & Mohammadi, E. (2021). Analysis of symbolic roles in contemporary jewelry. *6th International Conference on Language and Literature*. Tbilisi, Georgia. [in Persian].
- Yaghouti, S., & Dadvar, A. (2021). A Comparative Study of Iran during the Achaemenid and Parthian change and evolution jewelry. *Glory of Art (Jelve-y Honar)*, 12 (4), 97-109. doi: 10.22051/jjh.2017.9873.1106. [in Persian].
- Zavvāri, M., & Chitsāziyān, A. H. (2021). A Comparative Study on the Symbolism in Turkmen and Baluch Ornaments in Iran. *Journal of Iranian Handicrafts Studies*, 3 (2), 121-130. doi: 10.22052/3.2.121. [in Persian].